

دوره دکترای کتابداری و اطلاع‌رسانی :
ملاحظات پیرامون شرایط ، ویژگیها و ملزومات نظری و کاربردی این مقطع و
شایستگی‌های دانش‌آموختگان آن

دکتر رحمت‌الله فتاحی^۱

چکیده

با گسترش تعداد دوره‌های دکترای کتابداری و اطلاع‌رسانی در دانشگاه‌های ایران ، ضروری است که راه‌اندازی این دوره ، چگونگی تدریس اعضای هیأت علمی ، تحصیل دانشجویان در آنها ، و به ویژه اشتغال دانش‌آموختگان دکترا به فعالیتهای آموزشی و پژوهشی با توجه عمیق به برخی چارچوبهای نظری و کاربردی انجام گیرد . این چارچوبها ، دوره دکترا را از دوره کارشناسی‌ارشد متمایز می‌کند . کسانی که به عنوان دانش‌آموخته دکترا شناخته می‌شوند و نیز آنهایی که با این عنوان در دانشگاهها به آموزش و پژوهش اشتغال دارند ، باید مجموعه‌ای از ویژگیهای فکری و معرفتی را محور فعالیت در زندگی علمی و حرفه‌ای خود قرار دهند . در این نوشته چارچوبهای نظری/ کاربردی ، ملزومات و پیامدهای مورد انتظار از دانشجویان و دانش‌آموختگان دوره دکترا تشریح شده است .

مقدمه

با راه‌اندازی دوره دکترای کتابداری و اطلاع‌رسانی در ایران ، ضروری است که تبیین چارچوبهای مهم نظری و کاربردی ، توجه به ملزومات راه‌اندازی این دوره ، و آشکارسازی ویژگیهای دانشجویان و دانش‌آموختگان دکترا ، به ویژه آنهایی که بعداً به عنوان عضو هیأت علمی در دانشگاهها به تدریس خواهند پرداخت ، بیش از پیش مورد توجه قرار گیرد . هدف مقاله حاضر جلب توجه برنامه‌ریزان و مدرسان دوره‌های دکترا ، دانشجویان و به ویژه دانش‌آموختگان دکترا نسبت به فلسفه دوره دکترا در نظام آموزش عالی و نیز تأکید بر

^۱ - استادیار گروه کتابداری و اطلاع‌رسانی دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی دانشگاه فردوسی مشهد fattahi@ferdoswi.um.ac.ir

جایگاه کیفی چنین دوره‌هایی با توجه به تحولات جهانی در حوزه‌های گوناگون آموزش عالی و تعامل هر رشته دانشگاهی با سایر حوزه‌ها است .

از آنجا که موفقیت علم و حرفه کتابداری و اطلاع‌رسانی ، یا به تعبیرنو ، « دانش‌ورزی» ، مستلزم توجه اولیه به مبانی نظری و فلسفی به ویژه در دوره دکترا است ، در این نوشته ، چارچوبهای نظری و کاربردی به ترتیب در سه مقوله « تشکیل دوره دکترا و تدریس در آن » ، « تحصیل دانشجوی در دوره دکترا » و « زندگی علمی و حرفه‌ای دانش‌آموختگان دکترا » مورد بحث قرار گرفته است .

۱ - تشکیل دوره دکترا : چارچوبهای نظری پیرامون راه‌اندازی این مقطع و هدایت دانشجویان

اهمیت و جایگاه دوره‌های دکترا در فرایند توسعه

توسعه یعنی تحول در وضعیت موجود و حرکت به سوی شرایط بهتر . توسعه یک جامعه در سطح ملی و در نهایت توسعه جامعه بشری در سطح جهانی مستلزم توجه عمیق به رشد فکری و معرفتی افراد جامعه از طریق نظامهای آموزشی است . تلاش نظامهای آموزشی در تربیت نیروی انسانی طیف گسترده‌ای از مقاطع مختلف (از مقطع پیش دبستانی گرفته تا دکترا) را در بر می‌گیرد . در این طیف ، مقطع دکترا به دلیل تربیت اندیشه‌هایی که بیشترین و عمیق‌ترین تأثیر را در فرایند توسعه دارند از اهمیت بیشتری برخوردار است . به همین دلیل ، راه‌اندازی دوره‌های دکترا در دانشگاههای داخل و یا اعزام دانشجویان به کشورهای پیشرفته برای تحصیل در این مقطع مورد توجه خاص دولتهای مترقی بوده و هست .

هدفهای دوره دکترا

دوره دکترا ، به منزله یکی از عالی‌ترین مقاطع علم‌جویی و دانش‌پژوهی در نظام آموزش عالی ، هدفها و فلسفه خاصی را دنبال می‌کند . مهمترین هدف کلی از تشکیل چنین دوره‌ای ، فراهم‌آوردن محیط و شرایط لازم برای آنانی است که طالب ورود به سطح عالی‌تری از حقیقت‌جویی و درک عمیق‌تر مفاهیم و پدیده‌های جهانی به‌منظور کسب توانایی ذهنی مؤثر

برفرایند توسعه جامعه هستند. بر این اساس، هر دانشگاهی که اقدام به تشکیل دوره‌های دکترای می‌کند، هدفهای ملموس‌تری را که در ذیل به نمونه‌هایی از آنها اشاره می‌شود، تدوین می‌کند.

مهمترین هدف دوره دکترای کتابداری تأکید بر مبانی نظری، فلسفی و معرفت‌شناختی این حوزه است. همانگونه که در زیر اشاره خواهد شد، این تأکید را به طور آشکار می‌توان در کتابچه‌های راهنمای دانشکده‌هایی که دوره دکترای برگزار می‌کنند و نیز در سرفصل برخی از درسهای آنها مشاهده کرد. انتظار این دانشکده‌ها و مدرسان آنها از دانشجویان دکترای خود آن است که مطالعات زیاد و هدفمندی در زمینه‌های نظری و فلسفی حوزه مورد علاقه انجام دهند تا از آن طریق شناخت عمیق و تحلیلی کسب کنند.

هدف خاص دیگری که ارزش دوره دکترای را نسبت به سایر مقاطع مشخص می‌کند، مشارکت در پیشبرد مرزهای دانش^۲ است. این هدف در اغلب سایتها و یا کتابچه‌های معرفت مقاطع دکترای در دانشگاههای معتبر جهان به عنوان یک شرط اصلی و یک مشخصه مهم به چشم می‌خورد. برای مثال، دانشکده کتابداری و اطلاع‌رسانی دانشگاه تورنتو کانادا، این ایده را در چارچوب هدفهای دوره دکترای در سایت اینترنتی^۳ خود به صورت زیر منعکس کرده است:

۱ - تربیت دانش‌آموختگانی با کیفیت بالا که قادر به انجام پژوهش، آموزش و هدایت حرفه باشند.

۲ - مشارکت در توسعه نظری علم کتابداری و اطلاع‌رسانی و پیشبرد مرزهای دانش به منزله زیربنای نظری و عملی حرفه.

۳ - توانایی در ایجاد انگیزه‌های پژوهشی در سطح حرفه.

همچنین، هدفهای دوره دکترای در سایت اینترنتی دانشگاه کارولینای جنوبی^۴ به صورت زیر مطرح شده است:

2. Contribution to knowledge

3. www.fis.utoronto.ca

4. www.usc.edu/dept/socialwork/programs/phd.html

□ دانش‌آموختگان مقطع دکترا مهارت‌های نظری و تحلیلی در زمینه‌های زیر کسب

خواهند کرد :

- ۱ - شناخت حرفه، فلسفه، رسالت و اخلاقیات آن .
- ۲ - آشنایی با نظریه‌های دخیل و مرتبط با حرفه .
- ۳ - روش‌شناسی تحقیقات کیفی و کمی در حوزه موردنظر .
- ۴ - مهارت عملی در یکی از زمینه‌های کاری .

در سایت یکی دیگر از دانشکده‌های دانشگاه تورنتو^۵ این هدفها به صورت زیر آمده

است :

□ دوره دکترا دانش‌آموختگانی را تربیت خواهد کرد که :

- ۱ - مبانی نظری علم و حرفه خود را درک کنند .
- ۲ - ارتباط علم و حرفه خود را با حوزه‌های دیگر بفهمند .
- ۳ - دانشی عمیق در یکی از زمینه‌های تخصصی کسب کنند .
- ۴ - قادر به طراحی و اجرای پژوهش در حوزه کار خود باشند و دیدگاهی انتقادی نسبت به تحقیق داشته باشند ،
- ۵ - نسبت به پیشبرد مرزهای دانش در حوزه کار خود احساس مسئولیت کنند .

بدیهی است تحقق چنین اهدافی ، که در نهایت باید در محتوای پایان‌نامه‌های دکترا جلوه‌گر شود ، مستلزم توانایی در انجام پژوهش‌های اصیل است که بتواند دانشی بر دانش موجود در حوزه مورد نظر بیفزاید . این امر یک اصل اساسی در مقطع دکترا و مرز تمایز حتمی این دوره نسبت به دوره کارشناسی ارشد است . بر این اساس ، فعالیت‌های دانشجویان دوره دکترا باید به گونه‌ای باشد که بتوانند از نظر علمی ، به‌ویژه از بُعد نظری و فلسفی ، دستاوردهای نوینی را ارائه دهند . دانشگاه‌های معتبر تنها در صورتی مدرک دکترا به دانشجویان اعطا می‌کنند که پایان‌نامه آنها از نظر داوران تعیین شده حاوی نکات ، دستاوردها ، یا رویکردهای نوین باشد . تنها در این صورت آنها خواهند توانست به پیشبرد

5 . www.nursing.utoronto.ca/programs/phd/

دانش در حرفه مورد نظر کمک کرده و نقش مؤثری در تحولات علمی و فکری حرفه خود ایفا کنند.

شرایط راه‌اندازی دوره دکترا

اگرچه شرایط رسمی راه‌اندازی دوره‌های دکترا از سوی وزارت علوم، تحقیقات و فناوری در قالب آئین‌نامه‌های مربوطه مشخص شده و به دانشگاهها ابلاغ شده است، اما صرف داشتن شرایط عمومی و رسمی نمی‌تواند به تأسیس یک دوره موفق و مطلوب بیانجامد. هرچند وجود چند عضو هیأت علمی با درجه استادی، دانشیاری و نیز اتمام سه دوره کارشناسی‌ارشد از ضروریات اصلی اعلام شده است، با این حال، آنچه به نظر می‌رسد زیربنای حرکت به سوی تأسیس دوره‌های عالی، به‌ویژه دوره دکترا است، قابلیت‌های تخصصی و ویژگیهای علمی و معرفتی مدرسان این مقطع است.

اعتقاد به توسعه علمی و معرفتی جامعه از طریق تربیت نیروی انسانی متفکر و خلاق یکی از نخستین شرایط درونی آن دسته از اعضای هیأت علمی است که قصد دارند در دوره دکترا را تدریس کنند. در همین راستا، اعضای هیأت علمی مورد نظر باید درمورد هدفها و دلایل راه‌اندازی دوره دکترا به اندازه کافی اندیشیده و درباره راههای توسعه واقعی علم و معرفت خود و دانشجویان دکترا چالش فکری و قلمی داشته باشند. به عبارت دیگر، ابتدا باید تحول فکری و معرفتی را در خود به وجود آورد و سپس دیگران (دانشجویان) را به سوی تحول هدایت نمود. اگر مدرس و استاد راهنمای دوره دکترا خود نسبت به گذشته دچار تحول فکری و معرفتی نشده باشد، مسلماً در رسیدن به هدفهای تربیت نیروی انسانی متفکر و خلاق موفق نخواهد بود. از این رو، ضرورت دارد که چنین مدرسانی سالها قبل از راه‌اندازی دوره دکترا مطالعه گسترده و عمیق درمورد چارچوبهای نظری و عملی کار خود در دوره دکترا را آغاز کرده باشند.

یکی از شرایط مورد توجه برای طی مرحله فوق، دسترسی به مناسب‌ترین و جدیدترین منابع دانش برای مطالعه خود و دانشجویان دوره دکترا است. مطالعه منتقدانه مهم‌ترین

منابع دانشهای نظری و کاربردی که توسط سرآمدان حرفه نوشته شده است و در مقاطع دکترا در دانشگاههای معتبر تدریس می‌شود می‌تواند اولین گام در این راه باشد.

نوع نگرش مدرس دوره دکترا نسبت به دانشجویان برآینده این دانشجویان و سرنوشت حرفه کتابداری و اطلاع‌رسانی تأثیر عمیقی خواهد داشت. از آنجا که بیشتر این دانشجویان پس از اتمام دوره به تدریس در دانشگاهها و تعامل فکری با دانشجویان خواهند پرداخت، شیوه آموزش و کار با آنها باید به‌گونه‌ای باشد که آنها را از نظر فکری، معرفتی و مهارتی برای این کار آماده کند.

در نگاه مدرسان دوره دکترا، دانشجویی دکترا کسی است که در عالی‌ترین مقطع به کسب علم و معرفت مشغول و کاملاً مستعد شکوفایی خلاقیت‌های علمی است. طبیعی است که این دانشجویان در آینده نزدیک مسئولیت تربیت دانشجویان دوره‌های کارشناسی و کارشناسی‌ارشد و سپس دکترا را بر عهده خواهند داشت. همچنین، دور از ذهن نخواهد بود که این افراد با شایستگی‌های خود در پیشبرد مرزهای دانش، حتی از استادان خود در رسیدن به موفقیت‌های علمی فراتر روند. به عبارت دیگر، ایده‌آل آن است که دوره دکترا به صورتی برگزار شود که دانش‌آموختگان آن از مدرسان خود پیشی گیرند. بنابراین، نگاه و خواست درونی مدرسان دوره دکترا باید بر پیشرفت دانشجویان خود و فراهم کردن محیط مناسب برای تحقق چنین هدفی تأکید داشته باشد. تنها در این صورت است که دوره دکترا به موفقیت خواهد رسید و راه‌اندازی آن موجب ایجاد تحول واقعی و توسعه علمی و معرفتی خواهد گشت، پدیده‌ای که به روشنی در تاریخچه برخی دانشکده‌های موفق کتابداری و اطلاع‌رسانی که دوره دکترای آنها منشأ تحولات و پیشرفت‌های فراوانی شده است قابل مشاهده است.^۶

۶ - از جمله این دانشکده‌ها می‌توان از دانشکده کتابداری دانشگاه‌هایی چون کالیفرنیا (UCLA)، ییتسبرگ، کیس وسترن رزو، راتگرز، و ایلینویز نام برد که نتایج فعالیتهای علمی - پژوهشی اعضای هیات علمی آنها بیش از سایر دانشگاهها موجب تحول در حوزه کتابداری و اطلاع‌رسانی شده‌اند.

۲- تحصیل دانشجوی در دوره دکترا

تصمیم به ادامه تحصیل و ورود به مقطع دکترا بطور مسلم متکی به برخی پنداشتها ، هدفها و انتظارات است . برای بعضی دانشجویان ، دوره دکترا به معنای تداوم تلاش برای رشد حرفه‌ای و رسیدن به ارتقاء شغلی است . از دیدگاه برخی ، این مقطع به مفهوم ورود به سطحی بالاتر و مرحله‌ای دیگر از علم جویی و حقیقت‌پژوهی است . با هر هدف و دیدگاهی ، دانشجوی دوره دکترا مشقت و زحمات زیادی را برای تحصیل در یک دوره طولانی متقبل می‌شود و مرحله جدیدی از زندگی را آغاز می‌کند . این تلاش و مشقت طولانی ، که با نوعی عشق و ایثار همراه است ، در کشورهای در حال رشد - از جمله ایران - به دلایل مسائل و مشکلات اداری و زیرساختی دو چندان شده است . به‌طور معمول ، زندگی دانشجوی دوره دکترا از روال عادی و ثبات معمول خارج می‌شود و دانشجوی ناچار است چند سالی را در شرایط دیگری (به ویژه در خارج از کشور یا خارج از محل اقامت خود) با دشواری سپری کند . فشارهای عصبی ناشی از مطالعه و تحقیق و نیز نگرانیهای عمیق در رابطه با سرانجام کار و دفاع از پایان‌نامه و نهایتاً فراغت از تحصیل ، محیط روانی جدیدی برای دانشجوی دکترا ایجاد می‌کند .

در عین حال ، با وجود این فشارها و مشقتها ، دانشجوی دوره دکترا باید به برخی از امتیازات تحصیل در این مقطع توجه کند . رسیدن به مراحل بالاتر علمی و کسب برخی توانمندیها پاداشی است که دانشجوی در نتیجه تلاشهای خود در این مقطع به دست می‌آورد . برخی از امتیازات تحصیل در دوره دکترا عبارتند از :

تحول در شیوه تفکر و درک مفاهیم

همانگونه که اشاره شد ، دوره دکترا بیشتر بر ارتقاء شیوه تفکر و کاربرد اصول و روشهای علمی تأکید دارد . در این دوره ، دانشجوی با فرایند تفکر علمی ، که شامل سه مرحله مهم « مشاهده علمی » ، « تبیین عقلی » و « ارزشیابی » است ، به طور کامل آشنا می‌شود و

آن را محور نظام فکری خود می‌سازد^۷. او، پویشهای ذهنی خود را بر اصول علمی استوار می‌کند.

بر این اساس، توقع آن است که دانشجوی دکترا نه تنها خود از نظر روش و سطح تفکر متحول شود، بلکه دیگران (مثلاً سایر دانشجویان) را از طریق تبادل اندیشه و راههای دیگر تحت تأثیر قرار داده و متحول کند. تحول فکری و نیز اعتقاد به ایجاد تحول از ویژگیهای اصلی و اساسی دانشجویان دکترا است. استفاده از رویکرد روش شناختی که یکی از جنبه‌های تفکر منطقی و فلسفی پیرامون مفاهیم و پدیده‌هاست یکی از ویژگیهای بنیادی دانشجویان دکترا در زندگی علمی و حرفه‌ای است. برای رسیدن به مراحل عالی‌تر تفکر و کسب مهارت روش‌شناسی، دانشجوی دکترا بسیار زیاد و منتقدانه مطالعه می‌کند تا با مکتبهای گوناگون فکری در حوزه حرفه خود به‌طور عمیق آشنا شود.

تسلط بر رویکردهای معرفت‌شناختی

یکی دیگر از امتیازاتی که دانشجویان به ویژه در دوره‌های دکترا علوم‌انسانی و اجتماعی کسب می‌کنند تسلط بر رویکرد معرفت‌شناختی در مواردی است که نیاز به مطالعات نظری و فلسفی دارد. معرفت‌شناسی^۸ یکی از زمینه‌های مطالعات فلسفی و یکی از جنبه‌های مهم تفکر نوین است که تلاش دارد درباره چگونگی شناخت (معرفت) انسان از

^۷ - در این زمینه، قویاً پیشنهاد می‌شود دانشجوی دکترا مطالعاتی پیرامون روش تفکر علمی، ماهیت علم و ماهیت فلسفه علم انجام دهد. برای شروع، منبع زیر پیشنهاد می‌شود: «جنبه‌های نظری علم‌کتابداری» / اثر پیرس باتلر، ترجمه هوشنگ ابرامی. - تهران: مرکز اسناد فرهنگی آسیا، ۱۳۵۸ (فصل اول: ماهیت علم). و نیز کتابهای:

۱ - «علم چیست، فلسفه چیست؟»، - تهران: مؤسسه فرهنگی صراط، ۱۳۷۹.

۲ - چستی علم / آن چالمرز به ترجمه سعید زیبا کلام. - تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۷۴.

۳ - علم‌شناسی فلسفی: گفتارهایی در فلسفه علوم تجربی. - تهران: مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی، ۱۳۷۲.

۴ - حدسها و ابطالها: رشد شناخت علمی / کارل پوپر؛ ترجمه احمد آرام. - تهران: انتشار، ۱۳۶۳.

Realism and educational research: New perspectives and possibilities / David Scot. - London: Routledge, 2000.

Philosophy and Scientific realism / J. Smart. - London: Routledge, 1963.

^۸ - معرفت‌شناسی (Epistemology) از دو واژه یونانی Episteme به معنی «شناخت و آگاهی» و Logos به معنای «دانش و شناخت» ترکیب شده است؛ یعنی شناخت درباره شناخت. به تعبیر دیگر، معرفت‌شناسی عبارت است از نظریه فلسفی پیرامون شناخت (Philosophical Theory of Knowledge) و تلاش دارد تا به این پرسش اساسی پاسخ دهد که چه تمایزی میان شناخت حقیقی و شناخت غیرحقیقی وجود دارد.

مفاهیم و پدیده‌ها بحث کند. با رویکرد معرفت‌شناختی می‌توان چرایی مفاهیم و پدیده‌ها و شناخت افراد از آن مفاهیم و پدیده‌ها را به شکل عمیق‌تر ادراک کرده و ارتباط هر مفهوم با مفاهیم دیگر را در یک کل واحد مورد بررسی قرار داد. دانش آموخته دکترا قادر است با استفاده از روش استدلال و تفکر منطقی به بررسی عمیق شناخت خود یا دیگران از مفاهیم و پدیده‌ها بپردازد. بدین‌سان، هنگام مطالعه هر یک از اجزاء و زمینه‌های حوزه کتابداری و اطلاع‌رسانی، به این نکته توجه می‌کند که پیدایش و توسعه هر مفهوم یا پدیده‌ای ناشی از مجموعه‌ای پیچیده و در عین حال مرتبط از علتهاست، اما چگونگی و نوع شناخت هر فردی از این امور مبتنی بر نظام فکری او و بنابراین، متفاوت با شناخت دیگران است. در این میان، آنچه مهم می‌نماید، جستجوی یک معرفت واحد از اندیشه‌های به ظاهر متفاوت و پراکنده است که به‌طور طبیعی در هر حرفه‌ای وجود دارد. مزیت استفاده از رویکرد معرفت‌شناختی آن است که درک عمیق‌تر و اصولی‌تری را از پدیده‌ها و مفاهیم به همراه می‌آورد و از این‌رو می‌توان راهبردها و راه‌حلهای مؤثرتری برای مسائل کلان جستجو کرد. بدون تردید، این رویکرد در فعالیتهای علمی، آموزشی و پژوهشی به ویژه در مقطع دکترا منتهی به نتایجی می‌شود که اصولی‌تر، اثر بخش‌تر و ماندگارتر است.

گرایش به پژوهش

پژوهش عالی‌ترین نوع کنکاش ذهنی درباره واقعیات برای کشف حقیقت است. به همین دلیل، پژوهش به ذهن کنج‌گاو، مسئله‌جو، و نقاد نیاز دارد، ذهنی که بر مبنای روش علمی به کشف چراها بپردازد. فرایند پژوهش نه تنها مستلزم ذهن پویا و متکی بر روش علمی است بلکه این فرایند خود به پویاتر شدن و در نهایت توسعه فکر می‌انجامد. تحصیل در مقطع دکترا و رسیدن به توسعه فکری به میزان بسیار زیاد پژوهش‌گرا، یعنی متکی بر روشهای علمی حقیقت‌جویی است. شرکت در هریک از کلاسهای درس و انجام هر تکلیف درسی باید با رویکرد پژوهشی به مفاهیم و پدیده‌ها باشد. پژوهش‌مدار بودن دوره دکترا، مبنای تفکر علمی را در دانشجو تقویت کرده و توانایی او را در تحلیل و استدلال مفاهیم افزایش می‌دهد. بر این اساس، دانشجوی دکترا باید این اعتقاد را در خود

به وجود آورد که با پژوهش می‌توان به بسیاری از مسائل و مشکلات اساسی حرفه پاسخ مناسب داد. اعتقاد و گرایش عملی به پژوهش، نه تنها موجب می‌شود که دانشجوی دکترا در طول دوره دکترا به پژوهش بپردازد، بلکه باعث می‌شود که پس از پایان تحصیلات نیز به پژوهشهای بیشتر و عمیق‌تر بپردازد تا اعتبار علمی خود و حرفه خویش را ارتقاء دهد.

یکی از شرطهای اصلی اعطای مدرک دکترا، انجام یک پایان‌نامه بر پایه اصول و روشهای علمی پژوهش است. این شرط تا بدان حد با اهمیت تلقی می‌شود که برخی دانشگاهها (از جمله در انگلستان و استرالیا) هیچ واحد درسی ارائه نمی‌شود و دوره دکترا را صرفاً به انجام یک پایان‌نامه محدود کرده‌اند. در هر حال، پایان‌نامه دکترا جدی‌ترین پژوهش در نظام آموزشی تلقی می‌شود. لذا، موضوع پایان‌نامه و محتوای آن باید از ارزشمندی علمی و حرفه‌ای بالایی برخوردار باشد، به صورتی که نتایج آن بر حرفه تأثیر مثبت بگذارد. نکته دیگری که دانشجوی دکترا هنگام انتخاب موضوع پایان‌نامه و چگونگی انجام آن مورد توجه قرار می‌دهد این است که موضوع نیاز بخشی از حرفه را برآورده سازد و چند مقاله قابل چاپ در مجله‌های معتبر علمی از آن قابل استخراج باشد. بعد از فراغت از تحصیل، پایان‌نامه دکترا بیانگر اعتبار و حیثیت علمی فرد است. در بیشتر موارد، هنگام استخدام در دانشگاهها، یا ارتقاء شغلی، و در موارد مشابه دیگر، از فرد خواسته می‌شود که عنوان و خلاصه‌ای از پایان‌نامه خود را ارائه دهد.

تأثیرات کوتاه مدت و بلند مدت پایان‌نامه بر زندگی فردی و حرفه‌ای، موجب می‌شود تا انتخاب موضوع پایان‌نامه و انجام آن از حالت رفع تکلیف خارج شود و دانشجوی دکترا سهم شایسته‌ای از پیشبرد مرزهای دانش را به خود اختصاص دهد. داوران پایان‌نامه نیز نسبت به جنبه اخیر بسیار حساس هستند و تنها در صورتی امتیاز قابل قبول به دانشجو می‌دهند که نتایج پایان‌نامه وی یافته‌های نو و با اهمیتی را ارائه دهد. از نظر آنها، یک پایان‌نامه خوب پایان‌نامه‌ای است که منشأ پژوهشها و مطالعات دیگری شود و یا حداقل موجب تحولات نظری و کاربردی در برخی از زمینه‌های حرفه گردد.

۳- فراغت از تحصیل و اشتغال به فعالیتهای آموزشی، پژوهشی و حرفه‌ای

بیشتر دانش‌آموختگان دکترا، پس از فراغت از تحصیل، معمولاً جذب دانشگاهها و مؤسسات آموزش عالی شده و کار خود را به عنوان عضو هیأت علمی آغاز می‌کنند و یا در صورتی که پیشتر عضو هیأت علمی بوده‌اند، آن را در سطح بالاتری ادامه می‌دهند. وظایف حرفه‌ای دارندگان مدرک دکترا، به ویژه اعضای هیأت علمی، شامل طیف مشخصی از فعالیتهای آموزشی، پژوهشی، انتشاراتی، مدیریتی و اجرایی است. به همین دلیل، آنها با گروههای مختلفی از افراد مانند اعضای هیأت علمی، هیأت رئیسه دانشکده و دانشگاه، دانشجویان و نیز همکاران عادی (اداری) در ارتباط هستند. انتظاراتی که این گروهها از یک عضو هیأت علمی دکترا دارند به‌طور مسلم، نسبت به گذشته متفاوت است. از نظر آنها و جامعه دانشگاهی، عضو دکترا می‌بایست شایستگی‌ها و توانمندیهای بالاتر و با کیفیت‌تری داشته باشد و وجود او منشاء تأثیرات مثبت در محیط کار و در ارتباط با دیگران باشد. چنانچه این توانمندیها و ارتباطها اثربخش بوده و نتایج ملموس و مثبتی در متحول کردن دیگران و محیط کار داشته باشد، می‌توان اطمینان حاصل کرد که بخشی از انتظارات ناشی از تحصیل در دوره دکترا تحقق یافته است.

به‌طور مشخص، می‌توان انتظار داشت که یک دانش‌آموخته دکترا در برخی زمینه‌ها ویژگیهای خاصی را دارا باشد و چارچوبهای نظری و کاربردی مشخصی را در زندگی حرفه‌ای مورد توجه قرار دهد. آنچه در ذیل می‌آید تشریح برخی از این چارچوبهاست.

درک عمیق‌تر از مفاهیم و پدیده‌ها

عضو هیأت علمی در زندگی دانشگاهی خود همواره با مفاهیم و پدیده‌های گوناگون روبروست. شناخت صحیح و عمیق این مفاهیم و پدیده‌ها از ضروریات زندگی دانشگاهی است. با رشد فکری و روش شناختی که در طی دوره دکترا حاصل می‌شود، انتظار می‌رود که دانش‌آموخته دکترا به شکل عمیق‌تری به تحلیلی مفاهیم پرداخته و شناخت عمیق‌تری از آنها کسب کند. در این راستا، روش علمی ایجاب می‌کند که او به زمینه شکل‌گیری مفاهیم و منشاء پدیده‌ها، ارتباط آنها با سایر مفاهیم و پدیده‌ها و تأثیر و تأثر آنها بر یکدیگر به‌طور

عمیقی توجه کند. همین امر، موجب می‌شود که درک و دریافت یک دانش‌آموخته دکترا در سطح عالی‌تری انجام شود و در نهایت تصمیم‌گیری او به شکل مطلوب‌تری صورت گیرد. از یک دانش‌آموخته دکترا انتظار می‌رود که در برخورد با هر پدیده یا بحثی، از خود واکنش منطقی‌تری براساس عقل‌گرایی و خرد نشان دهد. چنین فردی، به جای پافشاری بر ذهنیت مجرد و قضاوت بر پایه پنداشتهای شخصی، باید به یک استدلال مبتنی بر منطق و عقلانیت که نتیجه بهتر و قابل قبول‌تری خواهد داد، روی آورد. این امر، یکی از ضرورت‌های زندگی دانشگاهی و تعامل با افراد دانشگاهی است.

استفاده از روش‌های تدریس بهتر و مؤثرتر

با توجه به دانش و دیدگاه روش شناختی که در طول تحصیل در مقطع دکترا و پس از آن کسب می‌شود، انتظار می‌رود که دانش‌آموخته دکترا، در صورتی که به فعالیت تدریس اشتغال یابد، از روش‌های بهتری برای انتقال دانش به دانشجویان استفاده کند. به عبارت دیگر، شیوه تدریس یک عضو هیأت علمی دکترا به‌طور مسلم باید نسبت به زمانی که با عنوان مربی تدریس می‌کرد از کیفیت بهتری برخوردار باشد. مطالعه کتابها و مقاله‌های جدید در زمینه تدریس و توجه به رویکردها و نظریه‌های جدید یادگیری، هدفمند کردن مباحث مورد تدریس، ایجاد یک ساختار یا الگو برای رسیدن به هدفهای آموزشی و نیز آمیختن نکات عملی با مبانی نظری از ملزومات یک روش تدریس با کیفیت است. بدین لحاظ عضو هیأت علمی دکترا باید به هدفهایی فراتر از هدفهای معمول توجه داشته باشد و آموزش را به شیوه‌ای برنامه‌ریزی و اجرا کند که دانشجو بعدها بتواند آموخته‌ها را در زمان و مواردی که لازم است به کار بندد. در واقع، آموزشها زمانی اثربخش خواهد بود که آموخته‌ها در زمان‌ها و موارد دیگر نیز کاربرد مؤثر داشته باشد. مدرس باید روش تفکر یا انجام کار را بیاموزاند و نه آنکه برخی معلومات را بدون ارتباط دادن آنها با موارد واقعی و عینی در ذهن دانشجو انبار کند. خلاصه کلام آنکه، یک عضو هیأت علمی دکترا بیشتر بر آموزش شیوه تفکر تحلیلی و روش شناختی باید تأکید داشته باشد و نه بر انباشتن معلومات در ذهن دانشجو.

افزون بر موارد فوق، شیوه تدریس یک مدرس دکترا باید عنصر خلاقیت را نیز به منظور پویاتر ساختن ذهن فراگیران در برداشته باشد، یعنی مفاهیم به گونه‌ای تدریس شود که پویایی ذهن دانشجویان و در نهایت خلاقیت و تولید را در پی داشته باشد. برای این منظور، عضو هیأت علمی دکترا می‌تواند از روشهای علمی، مانند روش حل مسئله^۱ برای تحریک ذهن فراگیران استفاده کند. همراه ساختن تدریس با تحقیقات ساده و درخواست از دانشجویان برای نوشتن یک مقاله پژوهشی یا تحلیلی شیوه‌ای مطلوب برای تحقق هدفهای آموزشی است. برای اطمینان از کیفیت تدریس، لازم است در طول و پایان نیمسال تحصیلی ارزیابی‌هایی از شیوه‌های تدریس صورت گیرد و از نتایج آنها برای بازنگری در تدریس استفاده شود. همچنین، روش تدریس تعاملی (پرسش و پاسخ بین استاد و دانشجو و نیز دانشجو با دانشجو)، ارائه سمینار و بحث و بررسی، روش اجرا و محتوای سمینار، برگزاری جلسه‌های مباحثه و دفاع از نظریه‌ها و عملکردها و غیره نیز باید مورد توجه و اشاره قرار گیرد.

تأثیر بر سایر همکاران

یکی از مهمترین ویژگیهای یک دانش‌آموخته دکترا، توانایی اثرگذاری بر افراد یا گروههایی است که با آنها به عنوان همکار در تعامل است. به‌طور معمول، هر فرد می‌تواند تأثیر مثبت، بی‌تفاوت یا منفی بر دیگران داشته باشد. با توجه به فلسفه تحصیل در مقطع دکترا و شرایط دریافت مدرک دکترا و نیز مسئولیتی که از نظر حرفه‌ای و علمی متوجه یک دانش‌آموخته دکترا است، وی باید تأثیر مثبتی بر دیدگاهها و فعالیتهای همکاران خود بگذارد. این امر خود مستلزم خواست درونی و احساس مسئولیت نسبت به پیشبرد حرفه است. برای تحقق چنین امری، او باید به مطالعه راهها و روشهای اثرگذاری بر دیگران بپردازد، برنامه‌ریزی کند، بر میزان تلاشهای علمی و حرفه‌ای در محیط کاری بیفزاید و در چارچوب برنامه‌های جمعی، همکاران را به شکل مناسب درگیر فعالیتهای بیشتر کند. برنامه‌ریزی برای برگزاری همایشهای درون سازمانی و یا ملی، ترجمه و تألیف مشترک با همکاران،

همکاری با هیأت تحریریه مجله‌ها ، انجام طرحهای پژوهشی مشترک ، مشورت در برنامه‌های آموزشی و تدوین سرفصلهای درسی مناسب‌تر و تشکیل کمیته‌های تخصصی برای امور آموزشی و پژوهشی از جمله مواردی است که می‌توان همکاران را درگیر آنها کرد و به تدریج بر دیدگاهها ، رویکردها و رویه‌های آنها تأثیر مثبت گذاشت . به این ترتیب ، با پیوستن یک دانش‌آموخته دکترا به جمع یک گروه آموزشی ، باید بر میزان فعالیتهای علمی و پژوهشی اعضای گروه نیز باید افزوده شود .

تلاش برای پیشبرد و بقای حرفه

دانش بیشتر ، درک و آگاهی عمیق‌تر و نیز احساس مسئولیت بیشتری به دنبال دارد . مسئولیت یک دانش‌آموخته دکترا ایجاب می‌کند که برای پیشبرد حرفه ، به ویژه در شرایط متحول کنونی ، بیشتر تلاش کند . این امر به معنای انجام فعالیتهای سنگین‌تر و صرف وقت بیشتر است . همانگونه که در قسمت بعدی اشاره خواهد شد ، تشکیل مقاطع تحصیلی بالاتر در دانشگاهها ، کمک به تشکیل انجمنهای علمی و حرفه‌ای و یا مشارکت با این انجمنها ، اجرای طرحهای کلان پژوهشی ، انتشار مقاله و کتاب ، و برعهده گرفتن مسئولیتهای اجرایی می‌تواند حرفه کتابداری و اطلاع‌رسانی را متناسب با نیازهای جامعه به پیش برد و بقای آن را استحکام بخشد . در شرایط کنونی که رشد فناوریهای جدید و تأثیر آن بر حرفه کتابداری و اطلاع‌رسانی ، در برخی موارد ، موجب تضعیف این رشته شده است ، بقای حرفه مستلزم تلاش بیشتر و آگاهانه‌تر در آموزشها ، در برنامه‌ریزی‌ها و در امور اجرایی است . مسئولیت این امر بیشتر متوجه اعضای هیأت علمی به ویژه دانش‌آموختگان دکترا است .

تلاش برای ارتقاء مقاطع تحصیلی (توسعه کیفی حرفه)

گسترش آموزش عالی با ایجاد مقاطع تحصیلات تکمیلی (کارشناسی ارشد و دکترا) که از ضروریات توسعه همه جانبه کشور است انجام می‌گیرد . این امر با تربیت نیروی انسانی متخصص که قادر به پیشبرد حرفه خود و ارائه خدمات گوناگون علمی و حرفه‌ای به جامعه هستند انجام می‌پذیرد . در این راستا ، افرادی که با تحصیلات دکترا و با تجربیات غنی آموزشی و پژوهشی و نیز صاحب دیدگاههای نوین ، تلاش می‌کنند تا شرایط لازم برای

ایجاد مقاطع کارشناسی‌ارشد یا دکترا را در رشته تخصصی خود فراهم سازند. به عبارت دیگر، چنانچه به‌طور بالقوه، شرایط و امکانات لازم برای ایجاد مقاطع بالاتر فراهم باشد، این افراد مسئولیت دارند در عمل این مقاطع را ایجاد کنند تا سطح علمی و معرفتی حرفه خود را از طریق تربیت نیروی انسانی، در سطح بالایی علمی، ارتقاء دهند.

گرایش به نظریه‌پردازی

یکی دیگر از انتظاراتی که از دانش‌آموختگان دکترا می‌رود آن است که پس از مدتی تلاش، مطالعه و انجام فعالیت‌های علمی و پژوهشی در یک حوزه تخصصی، بتوانند اندیشه‌های جدید و بدیع خود را به عنوان نظریه در سطح حرفه مطرح کنند. به‌طور معمول، نظریه‌پردازی در حوزه‌های علمی و فکری بیشتر از جانب دانشمندان با تحصیلات دکترا صورت می‌گیرد. به همین جهت، هنگام تحصیل و به ویژه در مرحله انجام پایان‌نامه دکترا و نیز مطالعات تخصصی که در طول دوره اشتغال به فعالیت‌های آموزشی انجام می‌شود، باید به صورتی عمیق و انتقادی به مطالعه آثار و اندیشه‌های دیگران پرداخت تا به تدریج توانایی نقد نظریه‌های موجود و ارائه نظریه‌های جدید را کسب کرد.

مشارکت مؤثرتر در مجامع و محافل علمی و حرفه‌ای

با توجه به دانش، معرفت، تجربه و در نتیجه اعتماد به نفسی که در اعضای هیأت علمی دکترا به وجود می‌آید، به‌طور طبیعی، انتظار آن است که این افراد در مجامع و محافل علمی و حرفه‌ای حضور و مشارکت بیشتر و مؤثرتری داشته باشند. در بسیاری از موارد و به واسطه انجام مطالعه و تفکر بسیار، دانش‌آموخته دکترا احساس می‌کند که در برخی زمینه‌ها حرفی برای گفتن و اندیشه‌ای برای مطرح کردن دارد و می‌تواند نقش مؤثری در فعالیت‌های علمی/ حرفه‌ای و نیز جهت دادن به حرکت‌های کلان در سطح حرفه خود داشته باشد. این امر یک ویژگی اساسی در اشخاص دارای مدرک دکترا است و فقدان یا بی‌توجهی به آن بیانگر عدم توانایی فرد در درک فضای علمی و حرفه‌ای است (به عبارت دیگر، عدم حضور چنین اشخاصی در محافل علمی برابر است با مرگ علمی و حرفه‌ای آنان). بنابراین دارندگان تحصیلات دکترا باید به‌طور فعال در انجمن‌های علمی و حرفه‌ای رشته خود عضو

شوند ، در همایش‌ها حضور یابند و علی‌رغم مشکلات شخصی ، نقش مؤثرتری را در پیشبرد امور حرفه برعهده گیرند .

شواهد نشان می‌دهد که تنها گروه‌ها و افرادی در پیشبرد مرزهای دانش موفق بوده‌اند و توانسته‌اند مکتب فکری^{۱۰} ایجاد کنند و در نهایت در سطح حرفه خود مطرح شوند که از بعد نظریه‌پردازی و ارائه دیدگاه‌های جدید فعال بوده‌اند . به عبارت دیگر ، گروه آموزشی باید از مدرسانی بهره گیرد که از صاحب‌نظران حرفه خود به حساب می‌آیند و توانایی ارائه نظریه‌های جدید را دارند .

سخن پایانی

از آنچه در باب ملزومات و شرایط دوره دکترا گفته شد ، می‌توان چنین نتیجه گرفت که این مقطع تحصیلی از اهمیت ویژه‌ای در نظام آموزش عالی برخوردار است و تأثیر عمده‌ای در توسعه جامعه دارد . دوره دکترا ، با ویژگی‌های نظری و کاربردی که برای آن بر شمرده شد ، دوره‌ای است که می‌باید بیشترین تأثیر را بر شیوه تفکر و رویکردهای علمی و حرفه‌ای دانش‌آموختگان آن داشته باشد . در واقع ، دوره دکترا سنگ زیربنای یک زندگی علمی و حرفه‌ای موفق و اثر بخش را تشکیل می‌دهد . در مورد دانش‌آموختگان دکترا باید گفت که آنچه آنها را در ارتباط با زندگی علمی و حرفه‌ای ممتاز می‌کند توجه به مبانی نظری و فلسفی حرفه خود و اتخاذ رویکرد معرفت‌شناسی در مطالعات علمی است . بدین ترتیب ، یعنی با توجه بیشتر به مبانی نظری حرفه ، دانش‌آموختگان دکترا خواهند توانست به قابلیت‌های بیشتری دست یابند ، از جمله : تحلیل‌های عمیق‌تر از مسایل علمی ، انجام فعالیت‌های علمی ، آموزشی و پژوهشی بیشتر ، استفاده از شیوه تدریس بهتر ، حضور موثرتر در همایش‌ها و مجامع علمی و حرفه‌ای ، تلاش بیشتر در ارتقاء حرفه ، و تأثیر مثبت بر رشد علمی و معرفتی همکاران در نهایت ، دانش‌آموختگان دکترا باید بتوانند به پیشبرد مرزهای دانش در حرفه خود کمک کنند .

تشکیل دوره‌های دکترای کتابداری و اطلاع‌رسانی در ایران ، که به معنای تحصیل تعدادی دانشجو در این مقطع در داخل کشور و نیز دست‌اندرکار شدن برخی اعضای هیأت علمی به تدریس در این سطح می‌باشد ، باید با توجه به چارچوبها و مبانی نظری ، که فعالیت در چنین مقطعی ایجاب می‌کند ، صورت گیرد . انتظار جامعه علمی و دانشگاهی از مقطع دکترا و دانش‌آموختگان آن کیفیت بالای فعالیت‌های آموزشی و پژوهشی و تأثیراتی است که این فعالیتها بر روند توسعه جامعه دارد .

ساده اندیشی پیرامون تشکیل دوره دکترا ، برخورد سطحی با آموزش و هدایت دانشجویان دکترا ، سوق ندادن آموزشها به سوی پژوهش ، عدم توجه عمیق به راهنمایی پایان‌نامه‌های دکترا و در نهایت ، فارغ‌التحصیل کردن دانشجویان بدون متحول ساختن شیوه تفکر آنها با این خطر همراه است که به جای نتایج مثبت و مؤثر در حرفه ، نتایج منفی به دنبال داشته باشد . این ساده اندیشی و عدم توجه به کیفیت موجب تغییر دیدگاه جامعه نسبت به اهمیت دوره‌های دکترا و خنثی شدن پیامدهای آن خواهد شد ؛ امری که به‌طور جدی باید نسبت به آن هشدار داد .